

گفتاری از شهید دکتر مصطفی چمران درباره لبنان

## فریاد ضجه آلود لبنان

مسجدها و مدرسه‌ها، در زیر یک پتو زندگی می‌کنند. من آمده‌ام که دردی را به شما بازگویم که تا به حال کسی بازگو نکرده است.

من آمده‌ام که دعا کنم، تا خدای بزرگ انقلاب اسلامی ایران را پیروز کند. من آمده‌ام که آرزو کنم تا در پناه حکومت اسلامی، عدل و عدالت دامن بگسترند.

من می‌خواهم امیدوار باشم که سیطره ظلم و ستم اسرائیل و استعمار برای همیشه نابود گردد.

من آمده‌ام که جان خود را فدا کنم تا رسالت مقدس اسلام پیروز شود و این ظلمت کفر و جهل و فساد برای همیشه ریشه‌کن گردد.

من نیامده‌ام که چیزی بخواهم، زیرا کسی که همه وجود خود را تقدیم رسالتش کرده است، بی‌نیاز است.

من نیامده‌ام که شکوه کنم؛ مردمی که ۱۴۰۰ سال درد و رنج تحمل کرده‌اند، باز هم با جان خود همه مشکلات را تحمل می‌کنند.

من نیامده‌ام که از تهمت‌ها و افتراها و اذیت و آزارها و ظلم و ستم‌هایی که هم‌کیشان من به من روا داشته‌اند شکوه و ناله کنم؛ زیرا در طول ۱۴۰۰ ساله تاریخ خود به این ستم بزرگ خو گرفته‌ام و تحمل این بی‌انصافی‌ها برای من عادت شده است.

من فریادی‌ام که در سینه مجروح جبل عامل، در خلال قرن‌ها ظلم و ستم، محبوس شده است.

من ضجه دردآلود معذبین و زنجیربانم که در شکنجه‌گاه‌های ستمگران و استثمارگران در طول تاریخ نابود شده‌اند. من ناله دل‌خراش آن یتیمان دل‌شکسته‌ام که در نیمه‌های شب از فرط گرسنگی بیدار می‌شوند و دست محبتی وجود ندارد که برای نوازش آن‌ها را لمس کند، از سیاهی و تنهایی می‌ترسند و آغوش گرمی نیست که به آن پناه برند.

من آه صبحگاهم که از سینه پرسوز بیوه‌زنان سرچشمه می‌گیرم و همراه نسیم سحر در جست‌وجوی قلب‌ها و وجدان‌های بیدار به هر سو می‌دوم. آن قدر که خسته می‌شوم و از پای می‌افتم و ناامید و مأیوس به قطره اشکی مبدل می‌شوم و به‌صورت شبی در دامان برگی سقوط می‌کنم.

من آرزوی آن زنده‌لانم که هوای عدل و عدالت دارند و از این دنیای پر ستم گریزانم و به امید روزی دل‌بسته‌ام که با ظهور مهدی(عج)، عدل و عدالت بر خطه وجود دامن بگسترند و ظلم و ستم از این عالم ریشه‌کن گردد.

من تمنای دل‌های عشاقم که می‌خواهم عشق و محبت بر همه جا

من از جبل عامل آمده‌ام، سرزمینی که ابوذر غفاری، یار صدیق پیامبر بزرگ(ص)، برای اولین بار اسلام راستین را به مردم آن منطقه تبلیغ کرد و مسجدی برای عبادت خدا بنا کرد که هم‌اکنون در «میس جبل» به نام ابوذر غفاری معروف است. جبل عامل، سرزمین تشیع، سرزمین ولایت علی(ع)، سرزمین شهید اول و شهید ثانی که افتخار تاریخ شیعه است، سرزمین شیخ بهاءالدین عاملی و دانشمندان و متفکران بزرگی است که دنیا را منور کرده‌اند.

من از جبل عامل آمده‌ام که در دوران ۱۴۰۰ ساله تاریخ اسلام، همیشه مظلوم بوده و همیشه مورد غضب و کینه اُمویان و عباسیان و عثمانیان و آن‌گاه استعمارگران غرب و بالاخره اسرائیل بوده است.

سرزمین جبل عامل، همیشه زیر تازیانه جور و ستم شکنجه دیده است، توسط جباران و ستمگران قتل عام شده است و به‌وسیله استعمارگران زیر یوغ بندگی و اسارت درآمده است.

من از جبل عامل، سرزمین مقدس شیعیان آمده‌ام. من نماینده محرومین و مستضعفین جنوب لبنان هستم که همه‌روزه در زیر آتش توپ‌خانه سنگین و بمب‌های هواپیماهای اسرائیل می‌سوزند.

من از منطقه‌ای آمده‌ام که بیش از نیمی از آن به‌کلی نابود شده است، از شهرهایی که حتی یک دیوار سالم آن به‌جای نمانده است، روستاهایی که همه اهالی آن گریخته‌اند، مناطقی که زیر سیطره سیاه اسرائیل و سعد حداد، عامل اسرائیل، فرورفته است. ناحیه‌ای که بیش از ۳۰۰ هزار نفر از مردم آن آواره شده و خانه و کاشانه خود را رها کرده‌اند، در سرزمین‌های دور، در کنار مدرسه‌ها و مسجدها و کوچه‌ها و خیابان‌ها زندگی ذلت‌باری را به‌سر می‌آورند.

من آمده‌ام که فریاد ضجه آلود شیعیان لبنان را در زیر آسمان بلند ایران طنین‌انداز کنم. من آمده‌ام تا وجدان خفته انسان‌های متعهد و مسؤول را بیدار سازم.

من آمده‌ام که از دردها و محرومیت‌ها، ظلم‌ها، ناله‌های نیمه‌شب، آه‌های سحر بگویم و اشک یتیمان، ضجه دردمندان، آه بیوه‌زنان، سوز دل‌سوختگان را بازگو کنم.

من آمده‌ام تا پرده سیاه شب را - که هم‌چون ابری ضخیم بر اندیشه ملت ما سایه افکنده است - پاره کنم و حقایق تلخ و دردناک شیعیان لبنان را به آن‌ها بنمایانم.

من آمده‌ام که از ۱۰۰ هزار کشته و ۴۰۰ هزار مجروح و معلول که اکثرشان شیعه هستند، خبر دهم.

من آمده‌ام که از ۳۰۰ هزار آواره در به‌در شیعه از جنوب لبنان خبر آورم، که در بیغوله‌های دور دست، در کنار خیابان‌ها، گوشه



دامن بگسترده و کینه و حسد و تعصب از روی زمین ناپدید گردد. من اشک لیتیمانم، که دل شکسته در جستجوی پدر و مادر به هر سو می‌دوند، ولی هر چه بیش‌تر می‌گردند کم‌تر می‌یابند. وای به وقتی که یتیمی بگرید! که آسمان به لرزه در می‌آید.

من، خون شهیدانم که بر کوه‌های دور یا فعر دره‌های عمیق یا بر دامان دشت‌ها و صحراها جاری هستم. من از قلبی سوزان که به خاطر حق و حقیقت می‌تپیده و برای استقرار عدل و عدالت می‌جنگیده است سرچشمه گرفته‌ام.

من شاهد فداکاری‌ها و جانبازی‌های آزادمردانم. من گواه زنده این شهیدانم که همه وجود خود را عاشقانه تقدیم خدا کرده‌اند و به ابدیت متصل شده‌اند. من می‌روم تا نونهالان جهان را آبیاری کنم تا در مقابل ظلم و ستم بایستند و حجت خدا بر زمین گردند و قافله پر افتخار شهدا را استمرار بخشند.

من هم‌روزه شهیدی از برادران خود را بر دوش می‌کشم و به گورستان می‌برم، هم‌روزه زیر آتش‌بار سوزان اسرائیل خانه و کاشانه‌ها به آتش کشیده می‌شود، بمباران‌های اسرائیل قتل عام می‌کند و شیعیان جنوب را از هستی ساقط می‌نماید.

شیعیان لبنان کشته می‌شوند، ولی کسی آن‌ها را شهید به حساب نمی‌آورد. ضجه می‌کنند، اما کسی فریاد ضجه آنان را نمی‌شنود. زیر ظلم و ستم نابود می‌شوند، ولی وجدان کسی آگاه نمی‌گردد. و از سوی دیگر یک دنیا کینه و دشمنی و کارشکنی و تهمت و افترا و شایعه علیه شیعیان از همه‌جانب جاری است. حتی در ایران انقلابی، دست‌های مرموزی به‌شدت علیه شیعیان و تنها سازمان انقلابی آن‌ها «امل» فعالیت می‌کند و حقایق را از مردم ایران پوشیده می‌دارد و با شایعه و تهمت و دروغ شیعیان را می‌کوبد و لیکن مال می‌کند. وه که چه ظلم بزرگی است! عده‌ای مرا متهم می‌کنند که افکارم متوجه کشورهای خارجی است و مصالح ایران را تحت‌الشعاع خارج قرار می‌دهم. آنان می‌گویند باید همه توجه خود را معطوف به ایران کنم و این‌همه به لبنان و کشورهای دیگر نپردازم.

اولاً، توجه و نگرانی شدید من مربوط به ایران است؛ نه کشورهای دیگر. نشان می‌دهم که خطراتی انقلاب ما را تهدید می‌کند و من به خاطر پاسداری از ایران، این مطالب را بیان می‌کنم. ثانیاً، من هشت سال را در لبنان گذرانده‌ام، دورانی سخت و خطرناک و در کوران مبارزه مرگ و زندگی و شهادت. من افتخار می‌کنم که سازمان‌دهنده بزرگ‌ترین حرکت‌های مکتبی لبنان بوده‌ام؛ حرکت محرومین و سازمان امل که توسط امام موسی صدر تأسیس شده است. من سازمان‌دهی آن‌ها را برعهده داشته‌ام.

در همه جریان‌های سیاسی و انقلابی لبنان، در سرنوشت شیعیان دخالت داشته‌ام و از آن‌ها اطلاع دارم و از جنایت‌ها و خیانت‌هایی که به مردم محروم شیعه رفته است، قلبم مجروح است.

اگر کسی بخواهد از لبنان و شیعیان لبنان و امام موسی صدر چیزی بداند، من بهترین منبع مطلع برای آگاهی علاقه‌مندانم. تعجب می‌کنم که عده‌ای به‌دنبال نوشته‌های چپی و راستی و مزدوران اجنبی می‌روند یا به افراد مشکوک و غیرمکتبی استناد می‌کنند تا در مورد لبنان کسب اطلاع کنند، درحالی که به من که در بطن جریان‌ها بوده‌ام و بیش از هر کس آگاهی دارم مراجعه نمی‌کنند.

هنگامی که می‌بینم توطئه‌هایی در جریان است و عده‌ای مشکوک می‌خواهند حقوق شیعیان را پایمال کنند، حق را پوشیده بدارند و از باطل طرفداری کنند، آن‌جاست که احساس می‌کنم سکوت جایز نیست و باید حقیقت را بگویم. به‌خصوص می‌بینید که دشمنان اسلام و شیعیان کتاب‌ها می‌نویسند، شایعه‌ها و تهمت‌ها منتشر می‌کنند و من نیز مجبور می‌شوم که جواب بگویم.

گفته‌های من یک‌صدم گفته‌ها و فعالیت‌های مخالفان نیست و افسوس که وقت و فرصت ندارم که بیش از این، حقایق خارج را برای شما تشریح کنم.

ثالثاً، عده‌ای فهمیده یا نفهمیده، درصددند که اسلوب و خط مشی کشورها و یا سازمان‌های دیگر خارج را الگویی برای ما معرفی کنند. آن‌ها را به‌عنوان پیش‌قدم، طرف‌دار، نمونه کشور اسلامی و انقلابی، پشتیبان انقلاب ایران و غیره معرفی می‌نمایند و ملاحظه می‌شود که عده‌ای تندروتر، انقلاب ما را تخطئه می‌کنند و الگوهای خارجی را بهتر از انقلاب ایران به حساب می‌آورند و این یک جنایت بزرگ است.

انقلاب مقدس اسلامی ایران، آن‌چنان پاک و خالص است که می‌بایست سرمشق دیگران قرار گیرد، نه آن که انقلابی‌نماهایی، اسلوب سراسر دروغ و خدعه و نیرنگ و سیاست‌بازی خود را بر ما تحمیل نمایند. شناخت این روش‌ها و خط‌مشی‌ها و آشکارا ساختن حقایق آن‌ها وظیفه من است، چرا که سال‌ها در کنار این سیاست‌مداران حرف‌های زیسته‌ام و علیه توطئه‌های آنان به مبارزه برخاسته‌ام و به‌خواست خدای بزرگ، براساس خط مکتبی اسلام، خداوند ما را پیروز گردانید. ■